

تحولات حقوقی و جهانی کاربرت سازوکارهای ضد جرایم تروریستی در عصر خشونت و افراطی‌گری پیمان نامامیان^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۴

چکیده:

از آنجایی که تروریسم، از اساسی‌ترین معضلات جامعه جهانی و خطرناک‌ترین تهدیدها علیه حقوق ملت‌ها و ثبات بین‌المللی است، یکی از مسائلی که همیشه از دید اذهان جهانی مورد اهتمام بوده و متأسفانه هیچ‌گونه هنجار مؤثری در مبارزه با نقض آن مقرر نگردیده، مسأله بروز خشونت و افراطی‌گری ناشی از ارتکاب جرایم تروریستی بوده که اغلب با چالش‌هایی مواجه است. از اینرو، مبارزه با خشونت و افراطی‌گری ناشی از جرایم تروریستی زمانی قابل دسترسی است که در بسیاری از چالش‌های بین‌المللی به ویژه تهدیدات ناشی از جرایم تروریستی، دولت‌ها ضمن توافق نظر در امر مبارزه، ضمن مساعدت و همکاری با سازمان‌های بین‌المللی، شکاف موجود را از طریق اجماع در پذیرش اسناد بین‌المللی در نیل به جهانی‌سازی از هرگونه ناامنی و تهدید مرتفع کنند. به علاوه، امروزه مبارزه با خشونت و افراطی‌گری به مثابه حلقه مفقوده در چالش‌ها و هنجارهای بین‌المللی مستلزم توجه بیش از پیش به آن است که این امر نه تنها موجب رفع ناهنجاری‌های ملی و بین‌المللی بوده، بلکه با اجرای آرمان‌ها و اصول مقرر در منشور ملل متحد شرایط تحقق صلح را فراهم می‌آورد.

واژگان اصلی: خشونت، افراطی‌گری، جرایم تروریستی، صلح و امنیت بین‌المللی، عدالت جهانی.

۱. استادیار و عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

جرایم جرایم تروریستی، پدیده‌ای است محصول علل مختلف که در عین حال، علت شکل‌گیری وضعیت‌های گوناگون محسوب می‌شود. از دید مناسبات تروریسم و حقوق بشر، این پدیدار، معلول نقض حقوق بشر و نبود شرایط صلح ماندگار است که خود نیز با عملیات و اقدام، به نقض بسیاری از حقوق اساسی بشری فردی و همگانی منجر می‌گردد و در درجه اول، حق بر صلح و آرامش همگانی بشر را در معرض تهدید قرار می‌دهد. جامعه بین‌المللی که در نیمه دوم قرن بیستم با پدیده تروریسم مواجه شده بود، با پذیرش مجموعه‌ای از کنوانسیون‌های بین‌المللی و حتی منطقه‌ای، در قبال انواع خاص جرایم تروریستی و تعهد دولت‌ها، واکنش نشان داد. این در حالی است که از زمان وقوع حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به‌ویژه با گذشت دو دهه از آن^۱، این حوادث به‌مثابه یک رویداد تعیین‌کننده برای افراط‌گرایان و تروریست‌های جهانی، تروریسم را به‌عنوان جنایت سازمان‌یافته به یک پدیده جهانی تبدیل کرد؛ به‌نحوی که انقلابی در معماری امنیتی آمریکا و سراسر جهان ایجاد شد.

از طرف دیگر، جرایم تروریستی هم دارای جنبه‌های سخت و هم نرم است و اسناد حقوقی معاصر قادر به تعریف جامع و همه‌جانبه این مفهوم نبوده، تاکنون چنین تلاشی ناکام مانده است (ساعد، ۱۳۹۰: ۲۰۱). به‌هر روی، جرایم تروریستی در قرن بیست و یکم، روندها و ویژگی‌های متمایزی از خود نشان داده است. با اینکه این نوع از جرایم بین‌المللی منحصر به این قرن نیست، اما پس از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، توجه جهانی بیش از پیش به گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی جلب گردید و در واقع از این زمان بود که مسأله ترور و تروریسم و نحوه مقابله با آن به یکی از پارادایم‌های تجزیه‌وتحلیل در عرصه حقوق و سیاست جهانی تبدیل شد. از اینرو، با توجه به سطح رو به رشد تهدیدهای ناشی از جرایم

^۱ دبیرکل سازمان ملل متحد در ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۱، طی بیانیه‌ای به مناسبت بیستمین سالگرد حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، اذعان کرد «امروز ما در همبستگی با همه بزه‌دیدگان تروریسم در سراسر جهان، ایستاده‌ایم.» وی، همبستگی، وحدت و عزمی را که بیست سال پیش توسط جامعه بین‌المللی با هدف آینده‌ای بدون تروریسم

ابراز شد، یادآوری کرد؛ <https://news.un.org/en/story/2021/09/1100402>

افزون بر این، در بیانیه مطبوعاتی شورای امنیت سازمان ملل متحد در همین زمینه طی ۹ سپتامبر ۲۰۲۱ مقرر شد، «اعضای شورای امنیت امروز مانند بیست سال پیش در تعهد خود برای پیشگیری و مقابله با تروریسم، در همه اشکال آن و هر کجا که رخ دهد، وفق قوانین بین‌المللی، متحد هستند.»

<https://usun.usmission.gov/un-security-council-press-statement-commemorating-the-20th-anniversary-of-the-september-11-attacks/>

تروریستی، تبیین و شناخت تحولات آینده این نوع جرم برای مقابله با آن ضروری به نظر می‌رسد (مبینی‌کشه و امید، ۱۳۹۸: ۲۳۹).

با وجود این، جرایم تروریستی فارغ از معنا و گفتمانی که دارد، مفهومی متضمن خشونت، افراطی‌گری، هراس و وحشت عمومی است که استفاده از آن حتی در ذهن نیز نوعی واکنش روانی مبتنی بر انزجار را به دنبال دارد. این حس غالب و عمومی، برآیند تمایل روحی بشر به آرامش و پرهیز از خشونت به ویژه ماهیت هنجاری مصونیت غیر نظامیان و عامه در برابر عملیات‌های ارهابی و مسلحانه است (ر.ک: بریسک، ۱۳۹۰: ۲۴-۱۳). با این حال، عموم مردم، جرایم تروریستی را به عنوان روشی خشونت‌آمیز شناخته‌اند که برای ایجاد فضای رعب و وحشت به منظور نیل به اهداف سیاسی از طریق توسل به زور نسبت به گروه یا دولت مورد نظر برای تن دادن به اهداف و مقاصد مهاجمان به کار گرفته می‌شود.

با این حال، بارزترین نماد ویرانگری این نظم‌ها، نظم حقوقی است که البته در این وادی، تأثیر پذیرش از نظم امنیتی-سیاسی برخی اجتماعات ملی و بین‌المللی به مراتب واضح است. پیش از این، برای تعقیب و کاوش مجاری تحقق اهداف جامعه بین‌المللی (دولتی کمابیش انسانی و بشری شده) اولییتی نسبی و اعتباری وجود داشت که در عین استقامت بنیادهای نظام مبتنی بر حقوق حاکمه دولت‌ها، حقوقی انسانی نیز از زیر پوسته همین نظام رشد و نمو یافت و به رغم حاشیه‌ای بودن و عدم ورود چشمگیر آن به هسته سخت حقوق بین‌الملل، کار بدانجا رسیده بود که «حمایت از حقوق انسانی» خواه در زمان صلح یا جنگ، وضعیت‌های عادی یا بحرانی، به مثابه اصلی قائم و استوار به نظر می‌رسید. البته می‌توان ابراز داشت قطعنامه‌های ضد تروریستی ۲۰۰۱ شورای امنیت و تشکیل کمیته ویژه ضد جرایم تروریستی زیر نظر این شورا، بارزترین نماد چنین گذار از دستور کار اصلی سازمان ملل متحد بوده و هست (Bailliet, 2021: 62-63).

به همین دلیل، جامعه حقوقی و نهادهای مدنی در اطراف و اکناف جهان و حتی در غرب نیز به فوریت، خطرات عملکرد دولت‌ها در فرایند مبارزه با تروریسم را که به نام حمایت از حقوق بشر یا امنیت ملی انجام شده‌اند، مورد بازشناسی و تحلیل قرار داده و پیامدهای این جریان احساسی و زودگذر بر پایه‌های نظم حقوقی بین‌المللی مدعی یا خواهان صلح و امنیت پایدار برای بشر را بازگو نموده‌اند. در گزارش نهایی کنفرانس «راهبردهای ضد تروریسم، حقوق بشر و حقوق بین‌الملل: رفع چالش‌ها» که در ۱۳-۱۰ آوریل ۲۰۰۷ در دانشگاه لیدن هلند برگزار شد، همین رویکرد با این استتاج همراه شد که «نخست‌کلیه ملت‌ها خواه قربانی تروریسم بوده باشند یا نه، در منفعت و نگرانی نسبت به امحای تروریسم، سهیم‌اند؛

دوم این هدف الزاماً نیازمند قاعده سازی جدید در حقوق بین الملل نیست، بلکه بسیاری از قواعد موجود، قادر به پاسخ گویی نیازهای مرتبط با آن هستند و سوم البته برخی موازین حقوقی موجود در ارتقاء و تقویت نیاز خواهند داشت.^۱

به هر روی، برای تقریر مباحث و تبیین مسائل مطروحه در این پژوهش، ضمن بهره گیری از روش فیش برداری اسنادی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، روش مطالعه و پژوهش از نظر هدف، توسعه‌ای و از حیث گردآوری داده‌ها، توصیفی و کتابخانه‌ای است.

۱. شناخت قلمرو رفتارهای صلح آمیز

ایجاد و حفظ صلح، یکی از کار ویژه های اصلی هر قاعده حقوقی و هنجار دینی و الهی است. موازین مندرج در مجموعه نظام هنجاری طبیعی و موضوعه جملگی در تلاشند تا ضمن برقراری روابط نظام مند، نظم و امنیتی را که لازمه حیات پایدار انسان است، استقرار بخشند و تعارض های میان اعضای جامعه را به سازگاری حداکثری تبدیل نمایند. مطالعه و بررسی علمی نحوه استقرار شیوه های عینیت بخشی به چنین هدفی، از ضروریات اساسی حقوق موضوعه اعم از ملی و بین المللی خواه در مرحله «وضع» و خواه «اجرا» است (عامری، ۱۳۸۹: ۷).

در رهیافت حق محور نسبت به تحقق و پیگیری صلح، انسان از حق بنیادین و اساسی به داشتن صلح برخوردار است؛ صلحی که چارچوب آن تمامی زندگی بشری است؛ صلحی که نه تنها خود یک حق است بلکه بستر دیگر حقوق او نیز هست. حق بر صلح که امروزه به طور عمده در قالب نسل سوم حقوق بشر یا حق های همبستگی تفسیر می شود، به نظر می رسد حقی فردی و جمعی از نوع حقوق اولیه است که در قبال حقوق نسل های اول و دوم بین المللی انسانها نیز معنادار است. انسان، اصلی ترین صاحب این حق است (Carey and Sims, 2020: 165-166). مطالبه و جستجوی دستیابی آن نیز در جامعه جهانی و در قبال مناسبات قدرتها، حقی مسلم است. شاید شکل گیری سازمانهای غیر دولتی برای پیگیری و فعالیت در زمینه صلح، در همین راستا هویت حقوقی یابد و آنها نیز از مشروعیت مطالعه، پایش و مطالبه صلح عینی برخوردار شوند. مفهوم حق بر صلح، تدابیر و مفاهیم صلح جهانی را ماهیتی انسانی می بخشد و اهمیت

1. Counter-Terrorism Strategies, Human Rights and International Law: Meeting the Challenges, Final Report Poelgeest Seminar, 17 April 2007, p. 2, [http://media.leidenuiv.nl/legacey/Final% 20 Report 20% Counter 20% Terrorism 20% Seminar.pdf](http://media.leidenuiv.nl/legacey/Final%20Report%20Counter%20Terrorism%20Seminar.pdf).

کرامت انسانی را در این حوزه برجسته می سازد(ر.ک: قماش، ۱۳۹۰: ۷۲-۷۰).

در گفتمان صلح جهانی نیز همین حق برای نوع بشر مورد حمایت است؛ حمایتی فراتر از آنچه نظام حقوقی امروزه آن را در قالب حقوق همبستگی و جنبه های تکامل نیافته این دسته دنبال می کند. همچنین در مورد انسانها به عنوان اعضای خانواده ای واحد، حقوق با تعهدات متقابل همراه است(عامری «الف»، ۱۳۸۹، ۸-۷). انسانها باید همبستگی پیشه کرده و سرنوشت و تعالی هم نوعان را زمینه ساز تعالی فردی و جمعی قرار دهند. احساس مسئولیت، عشق، نوع دوستی، مدارا و احترام، ارزشها و مولفه های اساسی رفتار فردی هستند که جامعه مهیای صلح فراگیر را سازمان خواهند داد.

صلح جهانی، محوریت ترسیم دوباره روابط انسانی در محیط جهانی را با احترام به همه فرهنگ ها و تمدنها، بر اشتراکاتی بنا می نهد که ادیان الهی برای تعریف صلح واقعی مقرر نموده اند. چنین رهیافتی جامع الاطراف و غایت نگر به حیات اجتماعی انسان مسئول، چند خصیصه بارز و گاه متفاوت از گفتمان های گذشته و امروز دارد(واحد دانشگاهیان مجمع جهانی صلح اسلامی، ۱۳۹۰: ۳۰-۲۸):

الف- در عین بهره‌مندی از مزیت های حقوق وضعی و هنجارهای تأسیسی معاصر، مبنا بودن آموزه ها و قواعد ثابت نهفته در فطرت خداگونه بشر را که خود نشأت گرفته از اراده خالص هستی است، تقویت نموده، میان اصل و فرع رابطه ای هماهنگ و طولی برقرار می سازد که اساساً هنجارها و اخلاقیات وضعی باید فطرت بشر و طبع وی در حیات جمعی هم‌گرا و بشردوستانه را در نظر گرفته، بر همین اساس برای حال و آینده بشر الگوسازی رفتاری جمعی و نهادینه بنمایند.

ب- بر وحدت در عین تنوع استوار است: اینکه تنوع در ظرفیت های انسانی و محیط حیات بشر، امری پذیرفته شده و ناشی از وضع الهی است، اما این تنوع ها هرگز به معنای «اختلاف» و واگرایی نبوده، بشر باید وحدت و همبستگی خود را باز یابد و مناسب ترین الگو برای همبستگی نوع بشر در زمانه معاصر که آلوده به انواع ناراستی ها و مولفه های تفرقه آفرین است، آموزه های همان خالق واحد هستی است که خود چنین تنوعی را ظرفیت و توانمندی شناخت هم‌دیگر و ایجاد احساس و درک متقابل میان بشر شناخته است.

ج- جایگزین سازی کار ویژه عدالت از جنگ به صلح را جستجو می کند. به واقع، صلح جهانی نیز بر نقش محوری عدالت در روابط بین المللی و تعاملات انسانی استوار است. اما بر خلاف نظریه «جنگ عادلانه» که عدالت را برای توجیه کاربرد زور و خشونت مورد استفاده قرار می دهد، کار ویژه و قابلیت عدالت را برقراری روابط صلح آمیز و برپائی صلح جهانی می داند(ر.ک: جاوید، ۱۳۸۸: ۶۰-۵۰).

د- هم صلح منفی^۱ و هم مثبت^۲ را در نظر دارد اما صلح منفی (پرهیز از امکان برخوردهای خشونت آمیز) را در پرتو تمهید بسترهای سازگاری و همدلی نوع بشر و بازگشت به حقیقت خلقت انسان و هستی می داند. بدین سان، صلح منفی از رهگذر برقراری صلح مثبت، پایداری خواهد یافت.

ه- به طور کلی ناظر بر دولت‌ها، انسان‌ها و ملت‌ها، عدالت توزیعی و معاوضی، ضامن نظام جهانی و مترصد به نظم سازی انسانی و سازمانی، ملی و بین‌المللی، پیشاجنگ و در جنگ و پساجنگ، همچنین ناظر بر حال و آینده فردی، گروهی و همگانی، ذهنی و عینی، فکری و رفتاری، حسی و عقلی است. با این اوصاف چیستی صلح و دامنه آن و جنبه‌های صوری و ماهیتی تعیین کننده مفهوم صلح، از حساس ترین مسائل در نگاه حقوقی هستند که بدون آنها شناخت و ترسیم چشم اندازی هنجاری میسر نخواهد شد. با این حال، نظم حقوقی بین‌المللی و نظام بین‌المللی ناظر بر تنظیم روابط دولت‌ها و سازمان‌ها عمدتاً صلح را بدون پرداخت به این جنبه‌ها مدنظر قرار داده است (Otto, 2020).

۲. خشونت و افراط‌گرایی؛ چالش‌ها و تهدیدها

افراط‌گرایی و خشونت‌های ناشی از آن از دهه هشتاد میلادی و حتی بیشتر در ساختار مقابله با جرایم تروریستی، مورد توجه سازمان ملل متحد قرار داشته است. پیدایش گروه‌های افراطی نظیر القاعده، داعش، بوکورام و غیره و نیز خشونت‌های ارتكابی آنان که منشعب از تفکرات افراطی آنان بوده است، به‌عنوان ناقض صلح و امنیت بین‌المللی و مانعی در توسعه اقتصادی و اجتماعی و بهره‌برداری انسان‌ها از حقوق بشر اطلاق می‌گردد (لسانی سنگاچین و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۲۲).

افراط‌گرایی خشونت آمیز باورها و اعمال افرادی است که از خشونت برای دستیابی به اهداف ایدئولوژیک، مذهبی یا سیاسی حمایت می‌کنند یا از خشونت استفاده می‌کنند ماین شامل تروریسم و سایر اشکال خشونت با انگیزه سیاسی و جمعی است. انواع مختلفی از افراط‌گرایی خشونت آمیز وجود دارد مانگیزه‌ها متنوع هستند و بسیاری از آنها معمولاً به ایدئولوژی‌های خاصی (مثلاً تفسیر جنبش‌های سیاسی یا اعتقادات مذهبی)، مسائلی مانند نگرانی‌های زیست محیطی یا اقتصادی، یا علل قومی یا جدایی طلبانه مربوط می‌شوند مافراد همچنین می‌توانند با بیش از یک موضوع انگیزه پیدا کنند.^۳

1. Negative Peace

2. Positive Peace

3 <https://www.livingsafetogether.gov.au/Documents/what-is-violent-extremism.PDF>

خشونت و وجه بدتر آن، افراطی‌گری شاید نمونه‌ای از کنش‌های دولت‌ها در نظام بین‌الملل باشد که می‌تواند تا مدت‌های مدیدی امنیت انسانی را به مخاطره اندازد. دولت‌ها تا مدت‌های مدیدی، جنگ و خشونت را به عنوان عرصه‌ای برای عمل متقابل شناسایی کرده بودند، با امکان بازاندیشی در فهم انسانی از شرایط ساختاری و اجتماعی، می‌توان منطق گفتگو و صلح را جایگزین آن کرد. خشونت و افراطی‌گری می‌تواند تنها یک جنبه از رفتار انسانی را توجیه کند. بخش اعظمی از رفتارها و کنش‌های انسانی می‌تواند اقدامات خشونت‌آمیز را تعدیل کند. پس می‌توان به راه‌های تفکر در خصوص پیشگیری از خشونت و افراطی‌گری نیز رسید. احترام به تساوی حاکمیت دولت‌ها که یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل است در بسترسازی برای نفی خشونت و افراطی‌گری می‌تواند گام مهمی تلقی شود. بخش اعظمی از خشونت و افراطی‌گری، زائیده نظام فکری و معنایی بازیگران در روابط بین‌الملل است. اگر بازیگران به تأمل در کنش رفتاری خویش برسند، می‌توانند راه‌های پیشگیری از خشونت و افراطی‌گری را پیدا کنند و امنیت انسانی را به ارمغان بیاورند (زهرانی، ۱۳۹۳: ۲).

در راستای مقابله با جرایم تروریستی طی دهه‌های اخیر، علی‌رغم اینکه رویکردهای حاکم در جامعه جهانی برای پیشگیری و مقابله با گسترش افراط‌گرایی خشونت‌آمیز کفایت لازم را ندارند، اما رویکرد مبارزه با چنین جرایمی به طور عمده مبتنی بر پاسخ‌های امنیتی متمرکز بوده است. علیرغم شواهد و تجربیاتی که نشان می‌دهد رویکردهای راهبردی، جامع و کل‌نگر می‌توانند تأثیری بسیار بیشتر و پایدارتر بر پیشگیری و مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز داشته باشند، پیشگیری و مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز کم‌کار است. در چارچوب پیشگیری و مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز، نیاز به رسیدگی به عوامل بی‌شماری است که می‌تواند به افراط‌گرایی خشونت‌آمیز دامن بزنند، از جمله تبعیض و به حاشیه راندن، حکمرانی ضعیف و عدم پاسخگویی دولت. به همین دلیل، رویکردهای موفق پیشگیری و مقابله با گسترش افراط‌گرایی خشونت‌آمیز باید توسط حقوق بشر و حاکمیت قانون در جوامع متأثر از تروریسم و افراط‌گرایی خشونت‌آمیز حمایت شود. علاوه بر این، رویکردهای پیشگیری و مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز ذاتاً چند رشته‌ای هستند. آنها باید تلاش‌های مجری قانون و سازمان‌های اطلاعاتی را تکمیل کنند، اما همچنین شبکه گسترده‌ای از بازیگران را در سطح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی توانمند کنند. مابین بدان معناست که سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران باید برای تعامل با جوانان، زنان، رهبران مذهبی، سازمان‌های جامعه مدنی، ارائه‌دهندگان مراقبت‌های بهداشتی، معلمان و بسیاری دیگر آماده باشند.^۱

¹ <https://www.icct.nl/node/2670>

البته می‌توان اذعان داشت جنبش‌های افراطی نظیر داعش، بوکوحرام و غیره به بی‌ثباتی و درگیری‌های خشونت‌آمیز دامن می‌زنند و اغلب ناشی از آن هستند و چالش پیچیده‌ای را به وجود می‌آورند.^۱

در راستای مقابله با خشونت و افراطی‌گرایی ناشی از ارتکاب جرایم تروریستی شورای امنیت ملل متحد در سال ۲۰۰۵ طی قطعنامه ۱۶۲۴ از دولت‌های عضو می‌خواهد که تحریک به ارتکاب اقدامات تروریستی را ممنوع کرده و با تحریکات افراط‌گرایی و عدم مدارا مقابله کنند. قطعنامه ۱۶۲۴ در مقدمه خود بر «اهمیت نقش رسانه‌ها، جامعه مدنی و مذهبی، جامعه تجاری و مؤسسات آموزشی» در تلاش‌ها برای تقویت گفت‌وگو و تفاهم، در ترویج مدارا و همزیستی، و در تقویت تأکید می‌کند. محیطی که برای تحریک تروریسم مساعد نیست. از اینرو، برای مقابله با خشونت و افراط‌گرایی ناشی از ارتکاب جرایم تروریستی ضمن اتخاذ اقدامات سرکوبگرانه، باید پیوسته بر نیاز همه جانبه، کل جامعه، مطابق با حقوق بشر و جنسیت تأکید داشت.

افزون بر این، شورای امنیت ملل متحد طی قطعنامه (۲۰۱۴) ۲۱۷۸ تأکید می‌کند که مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز یک عنصر اساسی در پرداختن به تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی است. شورا همچنین دولت‌های عضو را تشویق می‌کند تا با جوامع محلی مرتبط و بازیگران غیردولتی در توسعه راهبردهایی برای مقابله با روایت‌های افراطی خشونت‌آمیز که می‌توانند جرایم تروریستی را تحریک کنند، تعامل کنند. همچنین از دولت‌ها خواسته می‌شود تا به شرایط مساعد برای گسترش افراط‌گرایی خشونت‌آمیز، از جمله با توانمندسازی جوانان، خانواده‌ها، زنان، رهبران مذهبی، فرهنگی و آموزشی، و سایر گروه‌های مرتبط جامعه مدنی، و ارتقای شمول اجتماعی و انسجام، رسیدگی کنند. البته قطعنامه ۲۲۵۰ شورای امنیت ملل متحد در سال ۲۰۱۵ دولت‌ها را تشویق می‌کند «راه‌هایی را برای افزایش حضور همه جانبه جوانان در تصمیم‌گیری و حل منازعه، از جمله نهادها و سازوکارهای محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و سازوکارهای پیشگیری و حل منازعه، از جمله نهادها و سازوکارها در نظر بگیرند. مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز».^۲

بنابراین، نهادینه ساختن فرهنگ صلح در ارزش‌ها، رویکردها و کنش‌های بازیگران در سیاست بین‌الملل، احترام به قواعد حقوق بین‌الملل، رعایت اصل بنیادین حق حیات و تضمین امنیت اجتماعی

¹ <https://www.usip.org/issue-areas/violent-extremism>

² https://www.un.org/securitycouncil/ctc/sites/www.un.org.securitycouncil.ctc/files/ctc_cted_factsheet_cve_oct_2021.pdf

شهروندان از جمله سازوکارهایی است که می‌تواند در نفی خشونت و افراطی‌گری مؤثر باشد (همان: ۲).

۳. رویارویی صلح با جرایم تروریستی

تحولات اخیر در عرصه روابط بین‌المللی، به خوبی نشان می‌دهد که در سده حاضر، «صلح» بیشتر از هر مسأله دیگری در معرض خطر، تهدید و نقض قرار دارد. این تحولات، از اقدامات نظامی یک جانبه، قتل عام و محاصره شهرها هژمون طلبی برخی رژیم‌ها و دولت‌ها در اقصی نقاط جهان گرفته تا فقر و گرسنگی‌ها و عدم توزیع عادلانه امکانات حیات انسانی میان ملت‌ها و هم‌چنین بی‌سوادی و عدم دسترسی به آگاهی‌های لازم برای مواجهه صحیح با حوادث طبیعی و غیر مترقبه و آنچه در زندگی اجتماعی رخ می‌دهند و در نهایت فقدان حاکمیت عدالت بر روابط بین‌المللی، همه جوامع اعم از توسعه یافته و در حال توسعه، ملی و بین‌المللی را با بحران روبرو نموده به طوری که بیشترین زمان و بودجه‌ها نیز در سطح جهان به همین مسائل و شیوه‌های برخورد واکنشی به آنها اختصاص یافته و می‌یابند (*See: Dudouet and Schmelzle, 2010: 55-63*). این در حالی است که عدم درک صحیح از بسترها و عوامل متهی به بحران‌های صلح، پیامدهای دقیق این عوامل بر کم و کیف حیات بشری و هم‌چنین وظایف و کارکردهای دولتها و جامعه بین‌المللی در این رابطه، نه تنها امکان واکنش به این مسائل را در پهنه زیست جمعی بشر ناممکن می‌سازد بلکه به جای شناخت «علت‌ها» بر «معلول‌ها» متمرکز گردیده، آسیب‌های ناشی از وضعیت موجود و حاکم را درک نمی‌کند و در نهایت اهتمام و بسترهای «پیشگیری» از چنین بحران‌هایی را نیز پنهان می‌دارد (ساعد، ۱۳۸۹: ۱۱-۱۰).

در این میان، شناخت نظام هنجاری حاکم بر جوامع اعم از ملی و بین‌المللی و مجموعه هنجارهای حقوقی بین‌المللی مرتبط با صلح، از ضروریاتی است که از پاره‌ای جهات حتی بر سایر جنبه‌های صلح‌سازی و صلح‌بانی در محیط زندگی بشر، تقدم و اولویت دارد. از دید دیگر، برخی از علل و عوامل وضعیت بحران زده کنونی و موانع فراروی صلح واقعی و مورد نیاز بشر در مسیر تعالی، به همین هنجارها و نظامی بر می‌گردد که بر این اساس، پایه ریزی شده‌اند و مدیریت امور بین‌المللی و برخی مسائل ملی را تحت الشعاع قرار داده‌اند. علی‌ایحال، شناخت «صلح از منظر نظام حق- تکلیف» هم در بعد روابط میان بشری و هم‌چنین تعاملات و روابط بین‌الدولی و نهایتاً نقش سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیر دولتی در این زمینه، یکی از رهیافت‌های ضروری و حتی حیاتی در بازشناسی وضعیت صلح، علل و عوامل تهدید صلح در دوران معاصر، ترسیم چشم انداز وضعیت آینده و هم‌چنین ارائه بنیان‌های نظری و عملی در راستای ایجاد الگو یا الگوهای است که بتواند نیاز بشر، ملت‌ها و دولتها به صلح را برآورده سازد (*Arish*)

(Yusuff, 2011). با اینکه شورای امنیت در قطعنامه های ضد جرایم تروریستی، تروریسم را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی شمرده است، با این حال پوزیتیویسم حقوقی مانع از آن نیست که شورای امنیت به رعایت الزامات و برآیندهای طبیعی و منطقی این شناسایی خود فراخوانده شود و جامعه مدنی جهانی، مسأله «شناخت علل تروریسم» را به منظور «تقدم بخشی به پیشگیری» در دستور کار ملل متحد و سایر سازمان های بین المللی برجسته سازد (ر.ک: ایگلسیاس برلانگا، ۱۳۸۹: ۳۰-۲۴)؛ اما فارغ از این مسأله و ابعاد حقوق موضوعه جرایم تروریستی از نگاه شورای امنیت، آنچه در عمل از فرایند مبارزه با تروریسم زاده شد و نمود یافته، نه «جرایم تروریستی» بلکه «ضد جرایم تروریستی به منزله تهدید واقعی صلح و امنیت بین المللی» می باشد (ساعد، ۱۳۸۹: ۱۲).

در هر حال، در پرتو جهانی شدن و یا از رهگذر اندیشه جهان شهری نه تنها حقوق بین الملل و آرمان صلح گرایانه، بلکه خشونت نیز همانند پدیده تروریسم خشونت بار متجلی از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، جهانی و فراگیر می شود. امروزه، نگرانی پست مدرن در حقوق بین الملل، چگونگی استمرار بخشیدن به صلح و امنیت بین المللی و جلوگیری از وقوع جنگ است. حقوق بین الملل هنگامی می تواند در ممانعت از تروریسم موفق باشد که کنوانسیون ها و قراردادهای حقوقی بین المللی در یک محیط مناسب بین المللی مورد عمل قرارگیرند، تعارضات حقوقی و سیاسی در سطح جامعه جهانی برطرف شود و اصل کلی فراحقوقی حقوق بین الملل نیز باید نه تنها صلح میان دولت ها، بلکه میان بشریت، و آینده آن باشد (امینی، ۱۳۹۳: ۲۴۱).

۴. سازوکارهای تهاجمی در قبال جرایم تروریستی

کار ویژه حیات انسان، فراهم ساختن فرصت تکاپو و دستیابی به تعالی و کمال از رهگذر زیست جمعی و در تعامل و تعاون با همنوعان است. از همین رو، خداوند هستی را برای انسان خلق نموده و آنها را اعضای خانواده بشریت قرار داده تا با یافتن و ارتقای ایمان و تقوا، این مسیر تکامل را با توفیق طی نمایند. در این رابطه، وجود صلح و امنیت در روابط انسانی و همزیستی لازمه ظهور استعدادهای خداگونه بشر است، اما این صلح و امنیت در طول تاریخ به دلیل فاصله گرفتن انسان از اخلاق و ارزش های الهی، به کرات تهدید و نقض شده و امروزه، این وضعیت به سطحی ناگوار و وخیم منتهی شده است: شکاف عمیق میان جوامع، موجب شکل گیری طبقات غنی و فقیر در روابط بین المللی شده و برخی دولتها با تمرکز و انحصار قدرت های مادی، جهان را به صحنه هژمونی و یک جانبه گرائی خود تبدیل کرده

اند(ر.ک: قربانی و سیمیر، ۱۳۸۸: ۱۵۴-۱۴۶). این در حالی است که برخی ملت‌ها از شدت فقر و عدم دسترسی به منابع لازم برای تأمین نیازهای اولیه زندگی، در شرایط وخیمی قرار دارند که هر لحظه تعداد زیادی از جمعیت هایشان اعم از کودک و نوجوان، جوان و کهنسال جان خود را از دست می دهند؛ برخی نقاط جهان، صحنه درگیری و مخاصمات بین المللی و داخلی است که عمدتاً از سلطه و نفوذ بیگانگان و قدرتهای استعماری نشأت گرفته اند؛ در برخی نقاط اشغال خارجی و سیاست های رژیم های نژادپرست، موجی گسترده از نقض حقوق بشر و آزادیهای بنیادین مردم را به دنبال داشته است و چنین است که جهان امروز، آکنده از بی عدالتی و خشونت های سازمان یافته است و «صلح» در این شرایط، قربانی اصلی این بی عدالتی ها است (See: Pabst, 2009: 213-217).

جرایم تروریستی، تهدیدی مؤثر برای صلح جهانی به شمار می آید؛ تهدیدی که دارای مبانی عمیق و مصادیق گسترده بوده که به طور روزافزون نیز بر دامنه و پیچیدگی آن افزوده می شود. شاخصه های عمده این تهدید علیه صلح جهانی را می توان به اختصار برشمرد:

الف- جرایم تروریستی، پدیده ای جهانی است. این جهانی بودن، مبین آن است که تروریسم ریشه های عمیق داشته و بروز و ظهور آن نه امری سطحی و مبتنی بر انگیزه های موقتی یا فردی و پراکنده، بلکه متأثر از اختلال در ساختار جوامع انسانی است؛ با این حال به نظر می رسد جرایم تروریستی متأثر از قرن ها بی عدالتی، یکجانبه گرایی و بی توجهی به کرامت انسانی است (Stolzenberg, 2006: 68-69). در نظام بین المللی جدید دولت های جدید تلاش نمودند تا با نمایندگی مطالبات ملت های خود از استعمارگران تاریخ و با طرح مفاهیم توسعه و عدالت، این معضلات ساختاری را تقلیل دهند. اما افسوس که این مطالبات در گردونه شعار «آزادی» که برخی قدرت ها پرچم آن را برافراشته بود، تأثیر شایسته ای بر روابط بین المللی باقی نگذاشت.

ب- در بُعد هنجاری و رابطه میان ترور و ارزش های جهانی، روشن است که تروریسم، فرایندی مذموم و مطرود در همه فرهنگ ها و ادیان و آموزه های اخلاقی است. در فرهنگ ایران و اسلام در مبانی نظری و عملی انقلاب اسلامی نیز همین نگاه مورد تأکید است (واحد دانشگاهیان مجمع جهانی صلح اسلامی، ۱۳۹۰: ۹۵-۹۴).

۱. ر.ک: اسناد کنفرانس بین المللی ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه، دبیرخانه کنفرانس بین المللی ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی، ۱۳۹۰، چاپ اول، صص ۱۰-۱۲.

ج- جرایم تروریستی، دارای علل متعدد بوده، اصلی ترین علت را می توان بی عدالتی در جهان دانست. در فضای بسته بین المللی که مدیریت امور جهانی را برخی قدرت‌ها در انحصار گرفته و حقوق دیگر ملت‌ها را پایمال می کنند، ارباب و ترساندن مردم به منزله ابزاری برای تضمین این بی عدالتی ها رخ می نمایند. علاوه بر این با در نظر گرفتن چند بعدی بودن جرایم تروریستی، نمی توان با تمرکز بر تنها یک علت، موجبات امحای کامل آن را فراهم کرد. بلکه بدون توجه به ویژه به رابطه نظام سلطه با شکل گیری تروریسم بین المللی نمی توان در روند مبارزه با جرایم تروریستی توفیق یافت.

د- جهانی شدن مدیریت مبارزه با جرایم تروریستی هم از معیارهای توفیق در راهبرد بین المللی مبارزه با جرایم تروریستی است. جهانی بودن پدیده تروریسم، مستلزم جهانی شدن مدیریت مبارزه با آن است. با در نظر گرفتن اینکه تروریسم، مسأله ای جهانی است و همه جهانیان از آن در آسیب و رنج هستند، نمی توان نظام کنش و واکنش در برابر آن را به مجموعه ای محدود و انگشت شمار از بازیگران بین المللی محول نمود و به دستاوردهای چنین روندی دلخوش کرد. با تکیه صرف بر یک اندیشه سیاسی یا ترجیح منافع یک یا چند بازیگر بین المللی، نمی توان فرایندی جهانی از امحای ترور را در این سیاره تجربه نمود (ر.ک: ضیایی بیگلری، ۱۳۸۷: ۱۸-۱۰).

بدون شک، نگرانی های جهانی، مدیریت و مشارکت جهانی می طلبد و همه افراد و اقشاری که از تروریسم رنج می برند باید در این نظام مشارکتی سهیم باشند. تجربه اقداماتی که به نام جامعه بین المللی طی سالهای گذشته علیه جرایم تروریستی صورت گرفته است، نشان داده که هنوز هم نگرانی از ترور به همان سبک گذشته و شاید هم بیشتر از گذشته، وجود دارد. پس، سبک مدیریت مقابله با تروریسم آنگونه که تاکنون جاری بوده است، قادر به امحای ترور نبوده است. البته روشن است وقتی مدعیان راهبردی نظام جهانی مبارزه با جرایم تروریستی، خود عامل و حامی تروریسم دولتی و غیردولتی هستند، نتایج چندان موثری را نمی توان انتظار داشت (ر.ک: منصوری و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۲-۷۰).

جهان باید از این تجارب تلخ مدیریت های ناهماهنگ و ابزاری درس بگیرد. این درس گرفتن، در حوزه مقابله با جرایم تروریستی، بیش از پیش شایسته تأمل است. جامعه نخبگان باید سهم خود را از مسئولیت همگانی مقابله با جرایم تروریستی و تأمین صلح جهانی برای آحاد انسانها را جدی بگیرد. انتظار هموعان این است که جامعه نخبگی جهانی با بررسی های دقیق وضعیت موجود و علت یابی جرایم تروریستی جهانی، راهکارهای معتبری را برای نجات آنها از این وضعیت بحرانی ارائه دهد (János, 2011). در خصوص تدوین راهبرد مبارزه با جرایم تروریستی و امحای آن، به نظر می رسد که باید چند

محور مهم را که متضمن توصیف کارشناسانه وضعیت موجود، تحلیل آسیب‌شناسانه آن، ترسیم منطقی بایسته‌ها و همچنین رفتارشناسی متناسب با وضعیت‌های محتمل آینده (آینده‌شناسی) است، مورد توجه و تأکید ویژه قرار داد (Wagner, 2006: 158-161).

الف- رویکردهای ناظر بر تحلیل جرایم تروریستی باید نوسازی شود. اتخاذ رویکرد آسیب‌شناسانه، پیش شرطی است که ما را به درک صحیح از کاستی‌ها، چالش‌ها و علل ناکارآمدی یک دهه مدیریت ضد تروریسم در جهان رهنمون خواهد ساخت و دریچه‌های جدیدی را به حقیقت خواهد گشود.

ب- جرایم تروریستی دارای ابعاد گسترده است و از این رو، مقابله با جرایم تروریستی، در پرتو اقدام همه‌جانبه و دوراندیشانه ممکن خواهد شد تا در سایه آن امید به بهروزی و امنیت در دل نسل‌های مختلف تمامی جوامع انسانی، شکوفه‌های صلح و سلامتی به بار آورد.

ج- هرگونه تدبیر در پیشگیری و واکنش به تروریسم باید منطبق با موازین و هنجارهای اخلاقی، دینی و حقوقی باشد. جرایم تروریستی، تنها یکی از موانع صلح جهانی است. نمی‌توان به صرف امحای جرایم تروریستی، بر موانع دیگر صلح جهانی افزود. به نظر می‌رسد، حرمت و کرامت انسان، ارزش‌های اخلاقی، الهی و فطری باید سرلوحه هر گونه نظام تصمیم‌گیری و قاعده‌سازی علیه تروریسم باشد. همه می‌دانیم که این مسأله، یادآور یکی از بزرگترین آسیب‌های نظام بین‌المللی مبارزه با تروریسم است. از این رو، آنچه طی سال‌های اخیر به نام تدابیر ضد جرایم تروریستی به نقض گسترده حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، موازین حفاظت محیط زیست، تعهدات آمره منع توسل به زور و همچنین نقض تمامیت ارضی دولت‌ها صورت گرفته است، نه به نفع صلح و امنیت جهانی، بلکه خود مظاهری از تروریسم را به منصفه ظهور رسانده است (See: Barmaki, 2011: 228-231; MohsenZadeh, 2011: 254-256).

د- مدیریت صلح جهانی و برای همگان، مشارکت همگانی می‌طلبد و در این رابطه، حضور و نقش آفرینی هماهنگ نخبگان و سازمان‌های غیردولتی امری ضروری و حیاتی است.

ه- لزوم شکل‌گیری فرهنگ صلح جهانی در سازمان ملل متحد در راستای مبارزه با جرایم تروریستی مؤخر به نظر می‌رسد. از این رو، یک دهه از تأکید مجمع عمومی سازمان ملل متحد بر «فرهنگ صلح» می‌گذرد، اما در عناصری که برای درک جامعه شناختی از فرهنگ صورت گرفته است و در مولفه‌هایی که برای شکل‌گیری چنین فرهنگی در عرصه صلح‌شناسایی شده است، هیچ جایی برای

1. See: Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, "Human Rights, Terrorism and Counter-Terrorism", Fact Sheet No. 32, Switzerland -Geneva, GE.08-41872-July 2008-7,820.

اساسی ترین ارزش ناظر بر رفتارهای اجتماعی و انسانی یعنی «عدالت» تعریف نشده، بلکه این مسأله حیاتی مورد بی توجهی قرار گرفته است (ر.ک: فضائی و کوثری، ۱۴۰۰: ۱۹۵). بر این اساس، ضمن تأیید فرهنگ سازی مرتبط با صلح در جهان، در این بیانیه تأکید شد که عدالت در محورهای قطعنامه ۵۲/۱۳ مورخ ۱۵ ژانویه ۱۹۹۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد و قطعنامه های بعدی آن با عنوان فرهنگ صلح مورد توجه کافی قرار نگرفته و لازم است «فرهنگ صلح جهانی»، محور فعالیت های مرتبط با این قطعنامه ها و در صدر اقدامات یونسکو قرار گیرد (ر.ک: حسین خانی، ۱۳۸۹: ۳۴۰-۳۱۸ و هرتزبرگ، ۱۳۸۰).

ر- تعهد به تضمین رعایت حقوق بشر^۱ که در بسیاری از اسناد حقوق بشر تصریح شده است، نتیجه اصل حاکمیت و صلاحیت انحصاری دولت نسبت به قلمرو و افراد تحت صلاحیت آن می باشد. از این رو «در جهت تضمین رعایت حقوق بشر دولتها ملزم به اتخاذ اقدامات حمایتی یا اعمال احتیاط مقتضی جهت پیشگیری، تحقیق، مجازات، جبران خسارت، یا رفع تعرض افراد خصوصی به حقوق و آزادی های دیگران هستند.» همانگونه که پیداست، این تعهد عمدتاً دارای ماهیت ایجابی است.^۲

بر این اساس، دولت نمی تواند در قبال جرایم تروریستی که حقوق بشر و آزادی های اساسی افراد^۳ تحت صلاحیت آن را به مخاطره می افکند و غالباً تخلف از حقوق بین الملل محسوب می شوند، حالت انفعال و بی تفاوتی پیشه کرده، و یا در تعقیب و مجازات تروریست ها خواه اغماض و مسامحه، و خواه شدت عمل و رفتار غیر انسانی روا دارد. دولت در مقابل تروریست ها واجد حق، و در مقابل قربانی و جامعه (ملی و بین المللی) دارای این تکلیف است که در پیشگیری و مقابله با جرایم تروریستی از هیچ تلاشی دریغ نرزد.

رویه نهادهای بین المللی حقوق بشر کاملاً مؤید تعهد بین المللی دولت در مقابله با جرایم تروریستی می باشد. رأی مورخ ۲۱ ژوئیه ۱۹۸۹ دیوان آمریکایی حقوق بشر، در همین راستا قابل توجه می باشد. بر این اساس دولتها نه تنها جهت حفظ امنیت و دفاع از موجودیت خود می توانند به مقابله با جرایم تروریستی برخیزند، بلکه در قلمرو حقوق بین الملل بشر دارای تعهدی بین المللی در این مقابله با هدف

2. Duty to Ensure Respect

1. Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, "Human Rights, Terrorism and Counter-terrorism", Fact Sheet No. 32, p.4, <http://www.ohchr.org/Documents/Publications/Factsheet32EN.pdf>.

۲. در مقدمه کنوانسیون ۱۹۹۹ سازمان کنفرانس اسلامی در مورد مبارزه با تروریسم نیز با تصریح به «قبول تعهد به مبارزه با تمامی اشکال و مظاهر تروریسم و حذف اهداف و علل آن که زندگی و اموال مردم را هدف قرار می دهد». گویا تروریسم را محدود به مردم عادی و غیر نظامیان شمرده اند (ر.ک: کدخدایی و ساعد، ۱۳۹۰: ۲۲۰-۲۱۸).

تأمین امنیت جامعه بین المللی هستند. البته در این حقوق کنوانسیون ۱۹۹۹ سازمان کنفرانس اسلامی تصریح دارد که دولتهای عضو این سازمان نیز قائل به وجود تعهد بین المللی در خصوص پیشگیری و مبارزه با جرایم تروریستی هستند منتها این تعهد، محدود به رابطه دولتهای عضو و همچنین محدود به ماهیت قراردادی سند مذکور و در حدود قوانین داخلی است.

ماده ۳ این کنوانسیون تعهدات مذکور را در جلوه های تعهد به عدم حمایت از جرایم تروریستی و پیشگیری و سرکوب عملی با آن، مقرر داشته است.

به علاوه، تعهد به پیشگیری و واکنش در برابر تروریسم، بر منطقی همکارانه استوار است. نخست، دولتها در محدوده سرزمینی خود بار کامل ایفای این تعهد را بر عهده دارند. دوم، در مورد تروریسم در سایر سرزمین ها، تعهد آنها محدود به همکاری و کمک و یا اقدام بر اساس برنامه مشترک است. از اینرو، دامنه حقوق دولتها در فراهم کردن روش ها و ابزارهای ایفای این تعهد، یادآور این تذکر اساسی است که «تعهد به پیشگیری و سرکوب جرایم تروریستی، اقدام دولتها بدون توجه به اصل حاکمیت سرزمینی کشورها را (که مغایر قواعد مسلم و آمره حقوق بین الملل است) توجیه نمی کند» (گایا، ۱۳۸۹: ۲۱۲؛ ر.ک: عزیزی، ۱۳۹۰: ۲۲۶-۲۱۶).

علاوه بر ممنوعیت های اعلامی سازمان در حوزه جرایم تروریستی و تعهداتی که بر دولتهای عضو در زمینه پیشگیری و مجازات و واکنش به جرائم تروریستی مقرر نموده، همکاری میان دولتهای عضو به عنوان اصلی ترین چارچوبی است که برای تأمین اهداف مشترک و مقابله با جرایم تروریستی به عنوان تهدیدی مشترک برای کشورهای اسلامی مقرر شده است. عمده ترین محورهای این همکاری به شرح زیر می باشند (See: Zakzouk, 2004: 12).

الف- ایجاد و تقویت نظام های کنترل صادراتی: یکی از اجزای تروریسم، استفاده از سلاح ها و مهمات است. از این دید، کنترل نقل و انتقال و دسترسی افراد و گروه های غیردولتی به تسلیحات، راهبردی ضد تروریسم محسوب می شود. بر اساس ماده ۳ کنوانسیون، «توسعه و تقویت سیستم های کشف حمل و نقل، واردات، صادرات، انبار نمودن و استفاده از سلاحها، مهمات و مواد منفجره و نیز سایر وسائل تعرض، کشتار و تخریب علاوه بر تقویت کنترل مرزی و گمرکی به منظور پیشگیری از انتقال آنها از یک کشور متعاقد به کشور متعاقد دیگر یا سایر کشورها مگر این که برای اهداف خاص قانونی در نظر گرفته شده باشد.» یکی از تعهدات دولتهای عضو است (کدخدایی و ساعد، ۱۳۹۰: ۲۸۱-۲۸۰).

ب- جایگاه آموزش در قلمرو همکاری های اسلامی برای پیشگیری و مبارزه با جرایم تروریستی:

اصلی ترین تعهد دولتهای عضو در پیشگیری و مقابله با تروریسم، همکاری است. این همکاریها ناظر بر تبادل اطلاعات ناظر بر فعالیت ها و گروه های تروریستی در کشورها با علیه کشورهای اسلامی، اقدام مشترک عملیاتی، کنترل مرزها و ایجاد سیستم های ردیابی مرسولات و مبادلات انسانی و مالی، تعقیب و مجازات یا استرداد متهمین به جرایم تروریستی، و نهایتاً آموزش است (Brown, 2007: 130).

به نظر می رسد که عمق تعهدات همکاری در امور آموزشی، بسیار بیشتر از موارد دیگر است. در این راستا، محورهایی که امروزه در راهبرد جهان اسلام قربانی تروریسم قابل تبیین است.

نتیجه گیری

مبارزه با تروریسم برای تحقق صلحی عادلانه جهانی باید راهبردهای مؤثری را اعمال نمود تا بتوان بر گونه های متفاوت آن فایق آمد. از اینرو، اتخاذ راهبردهای بازدارنده ای هم چون برنامه ریزی جهت تقویت توان فکری توده ها، حفظ و تقویت مشروعیت سیاسی و گسترش روند توسعه سیاسی، شناخت و آگاهی کامل از واقعیت ها، برنامه ریزی سازمان دهی شده برای تبیین حدود دولت و ملت جهت اخذ نتیجه مثبت از قضاوت مردمی، آگاه نمودن افکار عمومی از منبع واقعی ترس ناشی از تحرکات تروریستی می تواند به همراه دیگر مؤلفه ها در پیشگیری و سرکوب جرایم تروریستی جهت نیل به اهداف آرمانی همچون صلح پایدار مؤثر واقع گردد.

با این همه، در مسیر مقابله با جرایم تروریستی و برای تحقق صلح جهانی باید راهبردهای مؤثری نظیر برنامه ریزی برای تقویت اندیشه و تفکر توده ها، تقویت و توسعه سیاسی نظام اجتماعی، شناسایی و اطلاع رسانی واقعیات موجود در جامعه و نیز آگاهی بخشی اذهان عمومی از منابع واقعی ترس ناشی از ارتکاب جرایم تروریستی اتخاذ گردد تا امکانی برای پیشگیری و سرکوب این دسته از جرایم دهشتناک در جامعه جهانی فراهم گردد. به علاوه، نقض حقوق اساسی و بنیادین ملت ها به واسطه ترور از جمله نقض فاحش حق حیات، ایجاب می کند تا سازمان های بین المللی حقوق بشری، ضمن اتخاذ تدابیر جدی و پیشگیرانه و مقابله مؤثر با جرایم تروریستی در همه ابعاد آن نهایتاً نقش قابل ملاحظه ای در تقویت صلح و امنیت بین المللی در جهان ایفا کنند.

منابع

- امینی، واحد (۱۳۹۳)، «حقوق بین الملل و صلح بین الملل: چهارچوبی تحلیلی برای تئوریزه نمودن تروریسم جهانی، حقوق بین الملل جهانی و صلح و امنیت جهانی»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره ۱۳.
- ایگلسیاس برلانگا، مارتا (۱۳۸۹)، «مبارزه با تروریسم و عدالت جهانی: یک زوج نامتقارن»، مطالعات بین‌المللی، شماره ۴.
- بریسک، آلیسون (۱۳۹۰)، «حقوق بشر و ناامنی»، در: بررسی تطبیقی امنیت ملی و حقوق بشر در جوامع مختلف، ویراستاران: آلیسون بریسک و گیرشون شافیر، ترجمه عسگر قهرمان پوربناب، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- جاوید، محمدجاوید (۱۳۸۸)، «عدالت طبیعی بنیانی برای صلح جهانی: از قوانین طبیعی تا امنیت همگانی»، بولتن مرکز مطالعات علمی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال هشتم، شماره ۱.
- حسین‌خانی، الهام (۱۳۸۹)، «فرهنگ صلح عادلانه و نظام سیاسی و بین‌المللی»: در: حق بر صلح عادلانه، به اهتمام نادر ساعد، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی، چاپ اول.
- زهرانی، مصطفی (۱۳۹۳)، «جهان‌عاری از خشونت و افراطی‌گری»، مجموعه مقالات اولین کنفرانس جهانی علیه افراطی‌گری و خشونت، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- ساعد، محمدجعفر (۱۳۸۹)، «وجاهت منزلت انسانی در گستره حق بر صلح»، صلح عادلانه (مجمع جهانی صلح اسلامی)، سال اول، شماره ۲.
- ساعد، نادر (۱۳۸۹)، «صورت‌بندی تروریسم در نگاه حقوقی: دستاویزها و چشم‌اندازها»، در: تروریسم و حقوق بشر، زیر نظر نادر ساعد، تهران: انتشارات دادگستر به سفارش برنامه عمران سازمان ملل متحد و کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
- ساعد، نادر (۱۳۹۰)، «تروریسم و نظام حقوقی ناظر بر حمایت از صلح و حقوق بشر»، در: تروریسم و مقابله با آن، به اهتمام عباسعلی کدخدایی و نادر ساعد، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی به سفارش کنفرانس بین‌المللی ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه، چاپ اول.

ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۷)، «جهانی‌شدن حقوق بین‌الملل؛ چالش قرن بیست و یکم»، مجموعه مقالات همایش جهانی‌شدن حقوق و چالش‌های آن، گردآوری و تهیه و تنظیم: غلامرضا خواجهی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد.

عامری، داوود (۱۳۸۹)، «حق بر مطالبه صلح عادلانه»، در: حق بر صلح عادلانه، به اهتمام نادر ساعد، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی، چاپ اول.

عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۰)، «همزیستی جهانی و رویکرد آینده اندیشانه به جنگ و صلح»، در: تروریسم و مقابله با آن، به اهتمام عباسعلی کدخدایی و نادر ساعد، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی به سفارش کنفرانس بین‌المللی ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه، چاپ اول.

عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۹)، رویکرد انتقادی به استعماری مجازی آمریکا: قدرت نرم و امپراتوری‌های مجازی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.

عزیزی، ستار (۱۳۹۰)، «تروریسم و نهضت‌های آزادی بخش: مرزشناسی حقوقی»، در: تروریسم و مقابله با آن، به اهتمام عباسعلی کدخدایی و نادر ساعد، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی به سفارش کنفرانس بین‌المللی ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه، چاپ اول.

فضائلی، مصطفی و وحید کوثری (۱۴۰۰)، «نظریه جنگ حقوقی و آینده حقوق بین‌الملل: حقوق ابزار صلح یا جنگ»، تحقیقات حقوقی، شماره ۹۳.

قربانی، ارسلان و سیمبر، رضا (۱۳۸۸)، «صلح و حقوق بشر: فرصت‌ها و چالش‌ها»، مطالعات بین‌المللی، شماره ۳.

قماش، سعید (۱۳۹۰)، «کرامت انسانی راهبرد نوین در سیاست جنایی»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱.

کدخدایی، عباسعلی و ساعد، نادر (۱۳۹۰)، «مقابله با تروریسم و راهبرد سازمان کشورهای اسلامی در پرتو کنوانسیون ۱۹۹۹»، در: تروریسم و مقابله با آن، به اهتمام عباسعلی کدخدایی و نادر ساعد، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی به سفارش کنفرانس بین‌المللی ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه، چاپ اول.

گایا، جورجیو (۱۳۸۹)، «مبارزه با تروریسم: حقوق توسل به زور، حقوق درگیری‌های مسلحانه با نگاهی به افغانستان»، ترجمه پروانه تیلا، در: تروریسم و حقوق بشر، زیر نظر نادر ساعد، تهران:

انتشارات دادگستر به سفارش برنامه عمران سازمان ملل متحد و کرسی حقوق بشر دانشگاه

شهید بهشتی، چاپ اول.

لسانی سنگاچین، محمدامین، شهرام زر نشان، محسن محبی و سیدقاسم زمانی (۱۴۰۰)، «مقابله با

افراطی‌گری دینی در حقوق بین‌الملل؛ تأملی بر چالش‌ها و موانع»، مطالعات بین‌المللی، شماره ۳.

مبینی‌کشه، زهرا و علی امیدی (۱۳۹۸)، «موج چهارم تروریسم و روندهای آینده تروریسم بین‌الملل»،

پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، شماره ۲.

منصوری، سیروس و همکاران (۱۳۸۹)، «عدالت اقتصادی و صلح جهانی نگاه اسلام»، در: حق بر

صلح عادلانه، به اهتمام نادر ساعد، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی، چاپ اول.

واحد دانشگاهیان مجمع جهانی صلح اسلامی (۱۳۹۰)، چهل گفتار برای صلح عادلانه، تهران:

انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی، چاپ دوم.

هرتزوگ، رومان (۱۳۸۰)، آشتی تمدن‌ها راهبردی برای صلح جهانی در قرن بیست و یکم، ترجمه

هرمز همایون‌پور، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، چاپ اول.

Arish Yusuff, Azeez Olawale (2011), "Terrorism-A Threat to Global Peace",
<http://ezinearticles.com/?Terrorism---A-Threat-to-Global-Peace&id=4443052>.

Bailliet, Cecilia M (2021), "The International Law of Peace Get access Arrow", in: The
Oxford Handbook of Peacebuilding, Statebuilding, and Peace Formation, Oliver
P. Richmond (ed.), Gëzim Visoka (ed.), Oxford Handbooks.

Barmaki, Jafar (2011), "Environment and Global Peace", in: Terrorism; Actors and
Pathology, Edited by Abbas-Ali Kadkhodae and Nader Saed, Islamic World
Peace Forum and International Conference on Global Alliance against Terrorism
for a Just Peace.

Brown, Chris et al., (eds.) (2007), International Relations in political Thought,
Cambridge: Cambridge University Press.

Carey, Henry F and Rebecca Sims (2020), "The International Law of Peace", in:
Peacebuilding Paradigms The Impact of Theoretical Diversity on Implementing
Sustainable Peace, Edited by Henry F. Carey, Cambridge University Press.

Dudouet, Véronique and Schmelzle, Beatrix (eds.) (2010), Human Rights and Conflict
Transformation: The Challenges of Just Peace, Berghof Handbook Dialogue
Series 9, published by Berghof Conflict Research (BCR), <http://www.berghof-handbook.net>.

János, Drábik (2011), "Joining Forces Globally Against Terrorism for the Just Peace",
in: <http://drabikjanos.com/2011/04/28/joining-forces-globally-against-terrorism-for-the-just-peace/>.

MohsenZadeh, Ahmad Ali (2011), "Environmental Just Peace: Impact of "Right to
Environment" on "Right to Peace"", in: Terrorism; Actors and Pathology, Edited
by Abbas-Ali Kadkhodae and Nader Saed, Islamic World Peace Forum and
International Conference on Global Alliance against Terrorism for a Just Peace.

- Otto, Dianne (2020), "Rethinking 'Peace' in International Law and Politics From a Queer Feminist Perspective", SAGE Journals, Volume 126, Issue 1.
- Pabst, Adrian(2009), "Unholy War and Just Peace: Religious Alternatives to Secular Warfare", POLITICS AND RELIGION, Vol. III, No 2.
- Stolzenberg, Jurgen(2006), "Terrorism, War, and Peace", Florianópolis, Vol.5, No.1.
- Wagner, Richard V. (2006), "Terrorism: A Peace Psychological Analysis", Journal of Social Issues, Volume 62, Issue 1, DOI: 10.1111/j.1540-4560.2006.00444.x
- Zakzouk, IM. (2004), On Philosophy, Culture and Peace in Islam, shrokintl Bookshop.